



۲۸ نوامبر، ۲۰۲۴

نویسنده: (Manoj Joshi) موناچ جوشی

ترجمه: میر عبدالرحیم عزیز

چه در پیش است: درک برگشت ترمپ به قدرت



موفقیت دونالد ترمپ باعث تغییرات عمده تقریباً در همه حوزه های سیاست در ایالات متحده از تعرفه ها و مهاجرت گرفته تا جنگ اوکراین خواهد شد. نحوه اولویت بندی آنها بحث دیگری است. مشخصاً، به نظر میرسد که ترمپ با مشکلات شخصی، از جمله تمایل بیش از حد توجه به موارد جزئی یا واقعی و مواردی هم از برداشت آزار و اذیت خودش، دست و پنجه نرم میکند. دوران آینده ترمپ میتواند غیرقابل پیش بینی ترین و مخرب ترین زمان ما باشد. مقرری های وی نشان میدهد که او قصد دارد به تعهدات انتخاباتی خود بالاحص در زمینه مهاجرت عمل کند. ماورای سیاست ها و نارسائی های شخصی، انتخابات ایالات متحده از اهمیت زیادی برخوردار است. تا اکنون، اولین دوره ریاست جمهوری ترمپ اغلب به عنوان یک انحراف و دوره بایدن به عنوان یک قاعده در نظر گرفته شده است. هر چند که اکنون این دومی است که عدم تداوم را رقم میزند. دومین دوره ترمپ که یک موفقیت همه جانبه برای گروه های "امریکا را دوباره بزرگ بساز" (MAGA) بوده است، اکنون در آینده نزدیک برای ایالات متحده عادی خواهد شد.

پیروزی ترمپ شکست لیبرالیسم با تاکید بر حقوق فردی، حاکمیت قانون و نظارت قانون اساسی بر دولت نبود. این یکی از نئولیبرالیسم بود که جهانی گرائی را پیش برد، طبقه کارگر را رها

کرد و بر پول سازی بیش از هر چیز دیگری تأکید داشت. طبقه کارگر امریکا با جابجائی کارخانه های تولیدی به آسیا از بین رفت. دموکرات های لیبرال جدید به عوض توجه به مصیبت شان، بر موضوعات باریک تری از قبیل محرومان - اقلیت های نژادی، جامعه هم جنس باز ها و تغییر جنسیت ها، مهاجران و غیره تمرکز کردند. به عنوان مردم محروم، به آنها دست کمک دراز نمودند حتی زمانی که طبقه اصلی کارگر تباه گردیدند و بطور فزاینده مجذوب سیاست "امریکا را بزرگ بساز" شدند. حینیکه این حالت در ابتداء طبقه کارگر سفید پوست را به خود جلب کرد، ترمپ موفق شد حمایت طبقه کارگر سیاه پوست و لاتین را نیز بدست آورد. بسیاری از مردم فکر می کنند که ترمپ هم یک بیماری خود محدود کننده خواهد بود. عدم امکان دستیابی به مجموعه متناقضی از اهدافی که برای خود تعیین کرده است، تأثیر ترمپ را کاهش خواهد داد.

طور مثال، موضوع تعرفه ها را در نظر بگیرید. ترمپ ماه گذشته گفت: "تعرفه زیباترین کلمه در فرهنگ لغت است". اکثر اقتصاد دانان موافق بودند که تعرفه های ۱۰ تا ۲۰ درصدی بر تمام واردات و ۶۰ درصدی تعرفه ها بر واردات از چین، قیمت ها را در ایالات متحده افزایش می دهد. یک مکتب فکری وجود دارد که معتقد است وضع تعرفه ها یک تکنیک مذاکره خواهد بود و نه بیشتر. اگر اینطور باشد، دو نتیجه احتمالی وجود دارد - سائر کشور ها موانع تجاری خود را کاهش خواهند داد، یا به احتمال زیاد، با تعرفه های خود مقابله بالمثل خواهند کرد. چیزی که ترمپ باید بداند که این به یک وضعیت تورمی منجر خواهد شد که در این انتخابات ثابت گردید که برای دموکرات ها زهر بود.

هدف عمده مکسیکو است. ترمپ اعلام کرده است که تعرفه ها را ۲۰۰ یا ۵۰۰ درصد افزایش خواهد داد: "برایم مهم نیست. عددی را می گذارم که نتوانند یک موتر در امریکا بفروشند". در حال حاضر، مکسیکو بزرگترین شریک تجاری ایالات متحده است و در سال ۲۰۲۳ ۵۵/۲ میلیون موتر در ایالات متحده فروخته است. تعرفه ها شرکت های مانند هوندا، تویوتا و فولکس واگن را ضربه می زند، اما بر شرکت های امریکائی مانند فورد، جنرال موتورز و Stellantis هم تأثیر گذاشته که زنجیره عرضه آنها تا مکسیکو گسترش یافته است، در حالیکه از این کشور به عنوان یک پایگاه تولیدی نیز استفاده می کند. برای مکسیکو، این یک ضربه مضاعف خواهد بود، زیرا بیشترین تعداد مهاجران غیرقانونی که باید اخراج شوند از همان کشور هستند.

در رابطه با مهاجرت، ترمپ می خواهد سرحدات را ببندد و جریان اخراج ۱۱ میلیون مهاجر غیرقانونی را آغاز کند. او تندروان مانند استیون میلر و توماس هومن را برای انجام این وظیفه تعیین کرده است که نشان دهنده قصد او برای تحقق وعده های انتخاباتی اش است.

این یک کار عادی نیست زیرا این جامعه اکنون در بافت اجتماعی و اقتصادی ایالات متحده مزج شده است. معاون رئیس جمهور جی دی ونس گفته است که هدف، اخراج حدود ۱ میلیون مهاجر غیر قانونی در سال است. اعطای جایزه به آنها، ایجاد مراکز بازداشت، غلبه بر مشکلات قانونی و تشویق آنها برای بازگشت به وطن ممکن است سال ها طول بکشد. همچنین بر اقتصاد تأثیر خواهد گذاشت چونکه مهاجران ستون فقرات کشاورزی و صنایع ساختمانی هستند و حضور آنها به کنترل دستمزدها کمک کرده است. جریان اخراج احتمالاً منجر به تورم میشود.

در بسیاری از ساحات، سوال واقعی این است که ترمپ تصمیم خواهد گرفت روی چه چیزی تمرکز کند. ظاهراً کمتر از ۴۰ دستور کار وجود دارد که او قول داده است که از روز اول ریاست جمهوری خود آن را تعقیب نماید. طور قطعی که انتقام گرفتن از کسانی که در اداره بایدن او را مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند، یک اولویت خواهد بود. در میان افراد مورد هدف میتوان جک اسمیت، مریک گارلند، لوی څارنوال و همچنین دوستان تبدیل شده به دشمن ترمپ مانند جان کلی رئیس دفتر قصر سفید، ژنرال مارک میلی لوی درستیز و لیز چینی را نام برد. یکی دیگر از روش های سیاست او تغییر در قوانین برای اخراج هر مقام فدرال خواهد بود. ممکن است اخراج گسترده ای همراه با انتصاب حامیان "امریکا را دوباره بزرگ بساز" در سمت های شان اتفاق بیافتد.

سیاست خارجی ساحه ای است که تحول بزرگی را تجربه خواهد کرد. انتصاب احتمالی سناتور مارکو روبیو به عنوان وزیر امور خارجه نشان دهنده عملکرد تندروانه است. روبیو به خاطر مواضع جنگ طلبانه اش در قبال ایران، چین و ونزوئلا و همچنین حمایتش از عملیات اسرائیل در غزه شهرت دارد. اوکراین احتمالاً بازنده بزرگی خواهد بود، اگرچه سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز ممکن است خود را در تیررس قرار دهد. هم ایالات متحده و هم اتحادیه اروپا (EU) در دو سال گذشته از طریق سیاست های سخت گیرانه خود در زمینه تامین سلاح، اوکراینی ها را تغییر داده اند. اکنون ممکن است اوکراین مجبور شود برای دستیابی به صلح، اراضی خود را واگذار کند، حتی در حالیکه وضع ناتو معلق است. جی دی ونس پیشنهاد کرده است که هدف آتش بس روسیه و اوکراین در امتداد خط مقدم کنونی است که به معنای از دست دادن حدود ۱۸ درصد از خاک اوکراین است که روسیه از سال ۲۰۲۲ اشغال کرده است. طرح ونس همچنین بی طرفی اوکراین را در قبال روسیه تضمین می کند.

در مورد اسرائیل، ترمپ بیشتر از فعالیت های نظامی اسرائیل حمایت خواهد کرد و مانند اداره بایدن از کمک نظامی ایالات متحده به عنوان اهرمی برای پیشبرد سیاست اسرائیل در جهت

خاصی استفاده نخواهد کرد. به قول تایمز اسرائیل، ترمپ به نتانیاهو گفته است که می خواهد جنگ غزه تا زمان روی کار آمدن او در ۲۰ جنوری ۲۰۲۵ پایان یابد.

اما مسائل دیگری نیز وجود دارد که موضع ایالات متحده اسرائیل را مستفید می سازد، خصوصاً نابودی حزب الله لبنان و برخورد با ایران. ترمپ از توافق هسته ئی با تهران دوری جست و کمپین "فشار حد اکثری" را با تحریم های شدید برای وادار کردن ایران به پایان دادن به طرح هسته ئی و روش این کشور برای تسلیح نیروهای نیابتی منطقه ئی مانند حزب الله و حماس آغاز کرده بود. صحبت های زیادی در مورد دیدگاه های تندرو ترمپ در مورد چین وجود دارد. اما مردم اکثراً فراموش می کنند که در جنوری ۲۰۲۰، او با کمال میل یک قرارداد تجارتي با چین امضا کرد. هیچ دلیلی وجود ندارد که باور کنیم چنین معامله دیگری نمی تواند انجام شود که وضعیت تایوان را هم در بر خواهد گرفت. امریکا دچار مشکل شده است. چند قطبی شدن آن با این انتخابات عمیق تر شده و حملات ترمپ به دولت، زیربنا های مهم قدرت امریکا را تضعیف کرده است.

تردیدی نیست که نظم جهانی چند جانبه به رهبری غرب که پس از جنگ جهانی دوم برقرار گردید، به سوی تغییر پیش می رود. مدتی است که نظم از خود مقاومت نشان می دهد، اما موفقیت شعار "امریکا را دوباره بزرگ بساز" احتمال دارد ناقوس مرگ را به صدا درآورد. شورای امنیت سازمان ملل متحد با اختلافات بین روسیه، چین و غرب کم و بیش منجمد شده است. در مورد سازمان تجارت جهانی، ترمپ مطمئن است که صلاحیت قضائی آن که در سال ۲۰۱۶ مورد حمله قرار گرفت و اکنون، با وجود جنگ تعرفه ئی که به زودی اتفاق می افتد، احتمال کمی وجود دارد که بتواند کاری در این زمینه انجام دهد.

اداره بایدن قویاً از ناتو و متحدان امریکا در شرق آسیا - جاپان، کوریای جنوبی، فیلیپین و استرالیا حمایت کرد. ترمپ این سوال را مطرح کرده است که آیا ایالات متحده به بند دفاع متقابل ائتلاف احترام میگذارد یا خیر و در واقع پیشنهاد نموده که روسیه را تشویق می نماید که با هر کشور ناتو که به اندازه کافی پول نمی پردازد، "هر کاری که میخواهد انجام دهد".

همه اینها لزوماً بد نیست. کشورهای جنوب جهانی می توانند از عقب نشینی ایالات متحده از نقش مسلط خود در امور جهانی سود ببرند. چند جانبه گرائی جدید که توسط سازمان های مانند بریکس تقویت میگردد، میتواند جهان را برای خدمت بهتر به منافع هند تغییر شکل دهد. اما این یک کار معمولی نیست، این چند جانبه گرائی جدید باید ماورای تمایل خود به اعلامیه ها قدم گذاشته و نتایج را در صحنه ارائه دهد.